پیشتاز ۲۰

ارگان اتحاد چپ دمکراتیک ایران

نشر در داخل کشور

شماره ۲۰ - ۲۰ شهریور ۱۳۶۱

آینده قدرت در حکومت اسلامی

پس از انتخابات ریاست جمهوری و تعیین اعضای کابینه و بازدید گرگان سرمایه داری تجاری غارتگر و روحانیون مرتجع بختیار آن و هم به شکل آشکار و هم در پشت صحنه و پنهان از چشم و گوش مردم و برای حفظ سنگرهائی که در جمهوری اسلامی فتح کرده و به میدان آمده اند، بدیهی است که این مقاومت ارتجاعی می‌تواند تا ماجراجوئی نظامی و گسترش ترورها و تکاپو در پست‌ترین های ناگهانی به تعطیلی برخی تغییرات و بلوکه‌گیری ارزها لیت گسترده و متشکل ترورهای مستقل و دائم سیاست سرکوب و جو رعب و وحشت در کشور پیش برود. متاسفانه بی تحرکی جدی و عدم فعالیت گسترده ترورهای ابوزیسیون و عوضا تصوری برخی مطبوعات با هدف بقای خویش و سالهای بحث برده و به ارتجاع مشعبی و وابستگان اقتصادی دلالی در جمهوری اسلامی اجازه و امکان تعرض بمقتضیه دستاوردهای مبارزات مردم را می‌دهد. با توجه به تجربه تلخ مبارزات اجتماعی در همه اعصار تاریخ و حتی با نیم نگاهی به تاریخ پرحادثه ۱۸ ساله اخیر، باید با هر نوع خوش خیالی کاذب در این زمینه مقابله کرد و خواب و خیالهای خوشایند را از سر بیرون کرد. هر نوع تجدید نظر در سیاستها را داری کور و تغییر موضع و بر تاکتیک و ائتلافی اركانهای اصلی و مهم رهبری در کشور در اختیار ارتجاع دلال بهمه و روحانیون مرتجع باشد، با امکان خواهد شد با انواع کارشکنی‌ها همراه خواهد بود. ظاهراً هر نوع تغییر در مدیریت ارگانهای مهم کشور در اختیار و ولی‌فقیه «خامنه‌ای» است و ولیه در طی سالیان گذشته، جهم امیدوار است با ارزیابی و روحانیون و بسیج توده‌ها است. همچنان که تاکنون سران هیئت موتلفه اسلامی، روحانیون وابسته به انجمن حجتیه و زدوبندچیان با آمریکا و مرتجعان حوزه‌های علمیه و قرمساقان تا سردرد و گیر در نهادهای مسلح و سپاه و... طرفدار «ولایت مطلقه خامنه‌ای» بودند. گرچه خامنه‌ای در تمامی جریانات و از جمله در انتخابات دوره پنجم مجلس شورا، بسیار سریع و آشکارانه تلاش این جناح را راست افراطی وارد صحنه شده و گرچه همین نقش را تا چند روز قبل از برگزاری انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری ادامه داده و اما دقیقاً از زمان روز سه‌شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ رفسنجانی با خامنه‌ای و جلب نظر و برای اعمال بیطرفی کامل در جریان انتخابات و جلوگیری از تقلب‌های انتخابات (که توسط مقامات مهم روحانی و سران موتلفه زمانی شده بود) و تعریض از آنکه خامنه‌ای بعضاً جناح راست افراطی برای لغو انتخابات و برگزاری مجلس تا طی دوره به عنوان رئیس جمهور اصلاح وارد کرده و در وعده‌های خود مبنی بر دفاع تا آخر لحظه از جناح راست افراطی تعلل ورزیده و اینک همین جناح ما قبل ارتجاعی «طرفدار ولایت مطلقه فقیه» برای برقراری حکومت تام و کامل اسلامی تمرین خود را بسیج کرده است و در این راستا حتی علیه خامنه‌ای را هم بسته کارگزاری کامل خود نمی‌داند. ضمن آنکه در چهارمین حکومت اسلامی، خامنه‌ای از نظر شرعی به مراجعی موجه که علیه خامنه‌ای در همان آنها نیست - البته حوادث ۱۸ ساله نشان داده است که این جناح برای حادثه آفرینی و تجربه کافی در اختیار دارد.

از سوی دیگر خامنه‌ای رفسنجانی نیز با تحکیم شورای تشخیص مصلحت و گسترش و ایجاد کمیسیونهائی برای تعیین و تدوین سیاستهای اصلی نظام و بعضاً زیر دیگر با کسب قدرت ممتاز و برتر در تعیین سیاستهای اصلی نظام در همه عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و اجتماعی و روابط خارجی و... بعنوان یکی به عنوان کانون اصلی قدرت آشکار می‌شود سیاستهای تدوین و تعیین شده توسط شورای تشخیص مصلحت به ریاست رفسنجانی در واقع جهت اضاء و تائید نهائی به ولی‌فقیه خامنه‌ای ارائه می‌شود و پس از امضاء جهت اجرا به ارگانهای مهم حکومت ابلاغ می‌شود. حکومت واقعی در شورای تشخیص مصلحت متجلی است و در چهارمین حکومتی از نظر حقوقی چیزی که نشان نیست، جمهوریت است - حتی رئیس جمهور دولت تابع نظارت این نهاد است و بدینگونه رئیس‌جمهور فاقد هرگونه مشروعیت حتی برطبق قانون اساسی، دیگر رئیس جمهور نیست بلکه رئیس شورای تشخیص مصلحت می‌باشد که عملاً به سمت کسب رسمی مقام اول کشور گام برمی‌دارد. اگر خامنه‌ای با موضعگیریهای یکجانبه و جناحی در دفاع از سیاستها و مواضع و منافع یک جناح حکومتی (جناح راست افراطی) خود را در مقابل جناحهای دیگر حکومتی قرار داد و موجبات رنجش خاطر و بیمالفت آنها با خود را برانگیخت و در همین حال با نادیده‌گیری در اجرای و منافع خود مبنی بر دفاع نهائی از جناح راست افراطی موجب از دست دادن این جناح از حوزه نفوذ و اما رفسنجانی حیله‌گرانه‌تر عمل کرده و با قدرت مدیریت و با قدرت ما تواند تعادلی پذیری زیادی بین جناحهای گوناگون حکومتی ما تواند دقیق‌تر اساساً زمان محدود که موجب مطلوبیت نهائی همه جناحهای حکومتی اول دهه حتی در دوران پس از انتخابات، این رفسنجانی بود که بعد از خامنه‌ای ولی فقیه و واقعی رئیس جمهور و روحانیون دیگر در میان شیوه رهبریت ویژه و بسته به نظام مواضعت استوار تر و با قدرتی به دست آورده و با بستن آن فاصله شد که ملاحم نقش ولی‌فقیه و هم نقش ریاست جمهوری را یکجا ایفا کند. و هم اینک در تمامی مطبوعات حکومتی و دولتی و بعضاً گروهی و حزبی نامهای را دیگر و تلویزیون بیرونی صاحبان و سخنرانیهای مهم، تصریح و تمجیدهای رهبران حکومت، جلوتر نقش آشکار و آشکار از تر می‌شود. و از این روست که هاشمی [illegible] و وقتی‌دهای گوناگون نسبت به تحولات آینده در جامعه

زمزمه میشود. کما آن جمله میتوان به هامات مربوط به برکناری برخی از فرماندهان سپاه و تغییر در مدیریت رادیو و تلویزیون و یا مان بخشیدن به یکناری های روحانیون حامی جماندار ان در نماز جمعه ها تغییر ترکیب دورای نگهبان و تغییر ترکیب مجلس رئیسه مجلس و برکناری رئیس قوه قضائیه به عنوان یکی از متخلف ترین افراد قضائی کشور و... اشاره کرد. ولی از همه مهمتر ها بعد کنار گذاشتن هامدهای از مقام ولایت فقیه و حذف وی از سلطه سیاست و حکومت است که احتمالا به دلیل قوت وی بواسطه ابتلاء به بیماری سرطان تحقق پذیرد. و در این میان و بدون تردید و گسترش فعالیت کمی و کیفی منحط و سازمان یافته تیروهای اپوزیسیون دمکراتیک و بویژه تیروهای چپ دمکرات و به امید تا تغیر گذاشتن جدی بر مسیر تحولات آینده کشور و تشدید مبارزه آنها علیه استبداد دینی و ارتجاع مذهبی و برای تامین آزادی و دمکراسی و وظیفه ای است ترک ناشدنی و تعویض ناپذیر.

ضرورت انحلال سپاه پاسداران

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است با هدف دفاع از حکومت استبداد دینی و سرکوب مخالفان حکومت روحانیون و ولایت فقیه. پس از همه جنگ ایران و عراق و فرماندهان بالای سپاه موفق شدند یکی از بزرگترین امتیازات را از روحانیون و بازاریگیرند. این امتیازات در ظاهر هوا مقرر بانه " اما در باطن خود کفائی سپاه و با لابردن آمادگی آن صورت گرفت و با این ترتیب تلاش شد تا سپاه از انحصار دولت و قوه مقننه خارج شده و دست سپاه در استفاده از هر سیاست و اهرمی برای تامین بودجه مورد نیازش باز گذاشته شود. به موجب این تصمیم سپاه پاسداران بطور مستقیم در گیر مجموعه ای از فعالیت های سودجویانه شدند. در حال حاضر یکی از مهمی از شرکت های وابسته و مادراتی و خدماتی و ساختمانی تحت پوشش سپاه پاسداران فعالیت می کنند. نمونه هائی از فعالیت وسیع شرکت های وابسته به سپاه را در اینجا ذکر می کنیم :

۱ - برخی از فرماندهان بالای سپاه در کارخانجات بزرگ مانند ایران وانت و کمان تا بره خرکت کاتی پیلار و شرکت سرمرکالای سهم عمده ای را بدست آورده اند.

۲ - سپاه بطور غیر مستقیم و از طریق بنیاد مستضعفان و در تعاون بورک و مرغ آمریکائی تولید شده بوسیله شرکت متا بسون را وارد کشور می کند. این شرکت در ایالتی که رئیس جمهور فعلی آمریکا کلینتون از آنجاست و قرارداده دختر متا بسون معاون اقتصادی کابینه کلینتون است.

۳ - صنایع وابسته به سپاه تولیدکننده اصلی بقایای ماهواره ای هستند. قبل از تصمیم مجلس مبنی بر غیرقانونی اعلام کردن آنتن های ماهواره ای و این بقایا مستقیما با استفاده از آهن سفید وارداتی سپاه و در تاسیسات شرکت های متعلق به سپاه تهیه میشود. پس از تصمیم مجلس مبنی بر ممنوع بودن این بقایا و پیش از آنکه فرماندهان سپاه سودهای کلانی را در این ارتباط به جیب زدند و آهن سفید وارداتی از طریق سپاه در اختیار تولیدکنندگان با صلاح مستقل قرار گرفت.

۴ - شرکت های وابسته به سپاه از طریق سنگاپور و تجهیزات الکترونیکی ساخت آمریکا را وارد می نمایند.

۵ - برخی از فرماندهان سپاه پاسداران با همیاری و کمک محسن رفیقدوست و در طرحهای بزرگی مانند ساختمان بزرگراه تهران - شمال شریک عمده اند و سودهای کلانی به آنها می رساند.

۶ - سپاه با کشورهائی مثل آرژانتین و فرانسه و برزیل و کره شمالی، چین و ترکیه معاملات تسلیحاتی گسترده برقرار کرده است و در معامله آنها و پس و پیش فرماندهان سپاه جریب میشود.

سیاست خودکفائی اقتصادی سپاه - جمله ای بود برای فریب دادن این نهاد و بویژه فرماندهان بالای سپاه در بازگرداندن آنها به زندگی مستقل سپاه. در زمینه های اقتصادی و به شکل تطبیقی عظیمی در سطوح آن انجام شده است. بسیاری از اعضای سپاه از امکانات رفاهی چشمگیری برخوردارند. آنها در حالی که صاحب واحدهای مسکونی و تجاری بیشماری شده اند و در واحدهای مسکونی سپاه در شهرک های - لویزان - و - امید - در واحدهای چهار خوابه اتاقه زندگی کرده و با اتومبیل های آخرین مدل و رانتی مجهزه به سیستم بهم تهران و پائین های مختلف خود هر سال رفت و آمد کرده و فرزندان در آموزشگاه های اسلامی خصوصی مجهزه به مدرن ترین وسائل آموزشی و تحصیل می کنند. یکی از این مدارس ویژه را در خیابان دولت - تهران میتوان نام برد که اغلب آموزان آن و با محافظ به مدرسه آمده و به خانه بازمی گردند. و این در حالی است که برخی از اعضای سپاه مقادیر به گذراندن امور ابتدائی زندگی نبوده و مجبورند بعد از ظهرها به مشاغلی با دست فروشی بپردازند.

تضاد اقتصادی میان بعضی از اعضای سپاه با بسیاری از ارگان ها و فرماندهان سپاه به عمیق ترشدن اختلافات نظرهای سیاسی در سطوح سپاه انجامیده است که نمونه بارز آن در حمایت علنی فرماندهان بالای سپاه از کاندیدای جناح راست اقراطی در انتخابات مجلس پنجم و ریاست جمهوری هفتم و اعتراضات وسیع بسیاری از اعضای سپاه به فعالیت سپاه در فعالیتهای سیاسی دیده شده. در باره حجم استقلال اقتصادی سپاه و این نهاد از حوزه سهم باز رسی کشور خارج بوده و درباره دخل و خرج خود به هیچ نهاد و ارگانی جواب نگوئیست. در حالیکه واحدهای مختلف به در درون و ارتش تابع سازمان باز رسی کشوری بوده و همساله به حساب دخل و خرج آنها رسیدگی می شود. این دوگانگی برخورد و یکی از دلایل اصلی تضاد و تناقض موجود بین این دو نهاد است.

سپاه پاسداران از ارکان مهم سرکوب رژیم استبداد دینی است. در همین پروسه ها تصمیم اصلی تشکیل دهنده سپاه است و تحت حمایت فرماندهان و بسته به مسائل با آرایان و مدیران اقتصادی و روحانیون مرجع و در راس ای سرکوب آرا دیها و طرفدار دمکراسی مردم و پاسداری از ارتجاع و حکومت دینی عمل می کنند. از این رو ما ارتجاع سپاه یکی از مهمترین اهرمهای چپ دمکراسی است که باید ترک شود.

دیجیتال کننده نشریه : نینا پویان